

حَمِدْتُ مَنْ عَظُمَتْ مِنتُهُ، وَ سَبَعَتْ نِعْمَتُهُ، وَ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُهُ، وَ نَفَدَتْ مَشِيئَتُهُ وَ بَلَغَتْ حُجَّتُهُ، وَ عَدَلَتْ قَضِيَّتُهُ، حَمِدْتُ  
 حَمْدًا مُقَرَّبًا بِرُبُوبِيَّتِهِ، مُتَخَضِعًا لِعِبَادِيَّتِهِ، مُتَنَصِّلًا مِنْ خَطِيئَتِهِ، مُعْتَرِفًا بِتَوْحِيدِهِ، مُسْتَعِيدًا مِنْ وَعِيدِهِ، مُؤَمِّلًا مِنْ رَبِّهِ مَغْفِرَةً تُنَجِّبُهُ، يَوْمَ  
 يُشْعَلُ عَنْ فَصِيلَتِهِ وَ بَنِيهِ، وَ نَسْتَعِينُهُ، وَ نَسْتَرْشِدُهُ، وَ نُوْمِنُ بِهِ، وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَ شَهَدْتُ لَهُ بِضَمِيرٍ مُخْلِصٍ مُؤَقِنٍ، وَ فَرَدْتُهُ تَفْرِيدًا  
 مُؤْمِنٍ مُتَقِنٍ، وَ وَحَدْتُهُ تَوْحِيدًا عَبْدًا مُدْعِنًا لَيْسَ لَهُ شَرِيكَ فِي مُلْكِهِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَوَلِيٌّ فِي صُنْعِهِ، جَلَّ عَنْ مُشِيرٍ وَ وَزِيرٍ، وَ تَنَزَّهَ عَنْ  
 مِثْلِ وَ نَظِيرٍ، عَلِيمٌ فَسْتَرٌ، وَ بَطْنٌ فَخْبَرٌ، وَ مَلِكٌ فَفَقْهَرٌ، وَ عُصِيَّ فَغَفَرٌ، وَ عُيْبٌ فَشَكَرٌ، وَ حَكَمٌ فَعَدَلٌ، وَ تَكْرَمٌ وَ تَفَضَّلَ، لَمْ يَزَلْ وَ لَنْ يَزُولَ، وَ  
 لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، رَبٌّ مُتَفَرِّدٌ بِعِزَّتِهِ، مُتَمَلِّكٌ بِقُوَّتِهِ، مُتَقَدِّسٌ بِعُلُوِّهِ، مُتَكَبِّرٌ بِسُمُوِّهِ لَيْسَ يُدْرِكُهُ  
 بَصَرٌ، وَ لَمْ يُحِطْ بِهِ نَظْرٌ، قَوِيٌّ، مُنِيعٌ، بَصِيرٌ، سَمِيعٌ، عَلِيٌّ، حَكِيمٌ، رُؤْفٌ، رَحِيمٌ، غَزِيْزٌ، عَلِيمٌ، خَواسته اش در امور نافذ گردیده است.  
 حجتش کامل و حکمش عدل است. حمد می‌گویم او را حمد کسی که: به پروردگاری او اقرار دارد، به فرمانبرداری او سر فرود  
 آورده است، از گناهان خود عذرخواه است، به وحدت و یگانگی او اقرار دارد، به او از کیفر و جزایش پناه برده است، و از او امید  
 آمرزش دارد؛ آمرزشی که نجاتش می‌دهد در روزی که سختی آن به حدی است که او را از اینکه به اهل و فرزندان خود ببیندیشد  
 باز می‌دارد. از او یاری می‌طلبیم و به او ایمان می‌آوریم و بر او توکل می‌کنیم. از روی اخلاص و یقین به او گواهی می‌دهم و یگانه  
 اش می‌دانم همان گونه که مؤمن محکم و استوار او را یگانه می‌داند. او را یکتا می‌شناسم، یکتا شناختن بنده‌ای که اقرار و اعتراف  
 دارد بر اینکه شریکی برای او در ملک و سلطنتش نیست و کمک کار و یآوری در صنّعش ندارد. بزرگ‌تر است از اینکه برای خود  
 مشیر و وزیر بگیرد و پاک و منزّه است از اینکه مثل و مانندی داشته باشد. می‌داند و پنهان می‌کند و می‌پوشاند و از باطن خبر  
 دارد. مالک و قاهر است. چون نافرمانی شود بیامزد و چون عبادت شود، جزای نیک دهد. وقتی حکم کند، در حکم خود عادل  
 باشد و کرم نماید و تفضل فرماید. همیشه بوده و خواهد بود و چیزی مانند او نیست. او پیش از هر چیزی بوده و بعد از هر چیز  
 خواهد بود. پروردگاری است که: به عزّت خود یگانه است، به قدرت خود، مالک است، به توانایی و قوّت خود، از هر عیبی میرا است،  
 و به برتری خود، بزرگوار است. هیچ دیده‌ای او را درک نکند و نظر و دقتی او را فرا نگیرد. توانا است و کسی بر او قدرت نیابد. بینا،  
 شنوا، بلندمرتبه، حکیم، مهربان، رحیم، قادر و علیم است. عَجَزَ فِي وَصْفِهِ مَنْ يَصِفُهُ، وَ ضَلَّ فِي نَعْتِهِ مَنْ يُعْرِفُهُ، قَرُبَ قَبْعُدُ، وَ بَعُدَ  
 قَرُبًا، يُجِيبُ دَعْوَةَ مَنْ يَدْعُوهُ، وَ يَرْزُقُ عَبْدَهُ وَ يَحْبُوهُ، ذُو لَطْفٍ خَفِيٍّ، وَ بَطْشٍ قَوِيٍّ، وَ رَحْمَةٍ مُوسِعَةٍ، وَ عَقُوبَةٍ مُوجِعَةٍ، رَحْمَتُهُ جَنَّةٌ  
 غَرِيضَةٌ مُونِقَةٌ، وَ عَقُوبَتُهُ جَحِيمٌ مُؤَصَّدَةٌ مُوبِقَةٌ، وَ شَهَدْتُ بِعَثِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ وَ رَسُولِهِ وَ صَفِيِّهِ وَ حَبِيبِهِ وَ خَلِيلِهِ، بَعَثَهُ فِي خَيْرِ عَصْرِ، وَ  
 فِي حِينِ قَتْرِهِ، وَ كَفَّرَ رَحْمَةً لِعَبِيدِهِ، وَ مَنَّهُ لِمَزِيدِهِ، حَتَمَ بِهِ نُبُوَّتَهُ، وَ قَوَى بِهِ حُجَّتَهُ، فَوَعَطَ، وَ نَصَحَ، وَ بَلَّغَ، وَ كَدَحَ، رُؤْفًا بِكُلِّ مُؤْمِنٍ،  
 رَحِيمًا، وَوَلِيًّا، سَخِيًّا، ذَكِيًّا، رَضِيًّا، عَلَيْهِ رَحْمَةٌ، وَ تَسْلِيمٌ، وَ بَرَكَهٌ، وَ تَعْظِيمٌ، وَ تَكْرِيمٌ مِنْ رَبِّ غَفُورٍ رَحِيمٍ، قَرِيبٍ مُجِيبٍ، وَصَيَّنَكُمْ مَعَشَرَ  
 مَنْ خَضَرْنِي، بِتَقْوَى رَبِّكُمْ، وَ ذَكَرْتُكُمْ بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ، فَعَلَيْكُمْ بِرَهْبَةٍ تُسَكِّنُ قُلُوبَكُمْ، وَ خَشْيَةٍ تَذَرِي دُمُوعَكُمْ، وَ تَقِيهِ تَنْجِيكُمْ يَوْمَ  
 يُدْهِلُكُمْ، وَ تَبْلِيكُمْ يَوْمَ يَفُوزُ فِيهِ مَنْ نَقَلَ وَزْنَ حَسَنَتِهِ، وَ خَفَّ وَزْنَ سَيِّئَتِهِ، وَ لَتَكُنْ سَأَلْتُكُمْ سَأَلَةً ذَلًّا، وَ خُضُوعًا، وَ شُكْرًا، وَ خُشُوعًا، وَ  
 تَوْبَةً، وَ نَزُوعًا، وَ نَدَمًا وَ رُجُوعًا وَ لِيَعْتَنِيَمَ كُلُّ مُعْتَنِيَمٍ مِنْكُمْ، صِحَّتَهُ قَبْلَ سَقْمِهِ، وَ شَيْبَتَهُ قَبْلَ هَرَمِهِ، وَ سَعَتَهُ قَبْلَ عَدَمِهِ، وَ خَلَوْتَهُ قَبْلَ شُغْلِهِ،  
 وَ حَضْرَةَ قَبْلَ سَفَرِهِ، قَبْلَ هُوَ يَكْبُرُ، وَ يَهْرَمُ، وَ يَمْرُضُ، وَ يَسْقَمُ، وَ يَمْلَهُ طَبِيبُهُ، وَ يَعْرِضُ عَنْهُ حَبِيبُهُ، وَ يَتَغَيَّرُ عَقْلُهُ، وَ يَقْطَعُ عُمْرُهُ، ثُمَّ  
 قِيلَ هُوَ مَوْعُوكٌ، وَ جِسْمُهُ مَنُهَوَكٌ، قَدْ جَدَّ فِي نَزْعٍ شَدِيدٍ، وَ حَضْرَةُ كُلِّ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ، فَشَخَصَ بِبَصَرِهِ، وَ طَمَحَ بِنَظَرِهِ، وَ رَشَحَ جَبِينَهُ،  
 وَ سَكَنَ حَنِينَهُ، وَ جَذِبَتْ نَفْسُهُ، وَ نُكِبَتْ عَرْسُهُ، وَ حُفِرَ رَمْسُهُ، وَ يَتَمَّ مِنْهُ وَوَلَدُهُ، وَ تَفَرَّقَ عَنْهُ عَدَدُهُ، هر که او را وصف کند، عاجز و  
 ناتوان می‌گردد، و هر که به معرفت او رسد، در تعیین صفت برای او گمراه می‌شود. در عین دوری، نزدیک و در عین نزدیکی، دور  
 است. هر که او را بخواند، اجابت کند و بندگان را روزی عطا فرماید. صاحب لطف نهران و عقوبت شدید است. رحمتش وسعت دارد و

عقوبتش دردناک است؛ رحمتی که همچون بهشتی است پهناور و شگفت‌انگیز، و عقوبتی که کیفرش دوزخی است طبقه‌بندی شده و هلاک کننده. گواهی می‌دهم که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بنده و فرستاده و اختیار شده و حبیب او است که او را در بهترین زمان‌هایی که مقتضی برانگیختن پیامبر بوده، برانگیخت؛ زیرا مدتی در فترت گذشته بود و پیامبری مبعوث نشده بود و کفر، عالم را فرا گرفته بود. این پیامبر، رحمتی برای بندگان و ازدیاد منت خداوند بر آنان بود. نبوت را به او ختم نمود و حجت خود را با ارسال حضرتش قوت بخشید. و اما آن پیامبر؛ موعظه کرد، نصیحت نمود، تبلیغ فرمود و به رنج افتاد. برای هر مؤمنی، مهربان، رحیم، دوست، با سخاوت، پاکیزه و پسندیده بود. رحمت و سلام و برکت و عظمت و کرامت خداوند آموزنده مهربان نزدیک اجابت کننده بر او باد. من شما را به پرهیزگاری از نافرمانی خداوند سفارش می‌کنم و به پیروی از روش پیامبران یادآوری می‌نمایم. پس بر شما باد: به ترسی که دل‌ها را آرامش دهد، به ربی که اشک‌ها را جاری کند، و تقوایی که باعث نجات شما گردد از روزی که به فراموشی اندازد و مبتلا گرداند. همان روزی که بهره‌مند شود از آن هر کس که کارهای نیکش بسیار و کارهای زشت و ناپسندش کم باشد. باید س‌قال شما از پروردگارتان، س‌قال بنده ای باشد که خوار و فروتن، و سرافکنده و شکرگزار است. مانند بنده‌ای که توبه کرده و از نافرمانی کناره گیری کرده و پشیمان شده است. بنابراین، هر غنیمت‌شماری از میان شما، باید غنیمت شمارد: سلامت خود را پیش از آنکه بیمار شود، میانسالی خود را قبل از آنکه پیر و فرتوت گردد، وسعتش را قبل از آنکه فقر گریبانگیرش شود، آسایش خود را پیش از آنکه گرفتار گردد، و فرصت هایش را پیش از سفر از این‌دار فانی: پیش از آنکه از کار افتاده گردد و مریض و ناتوان شود، پیش از آنکه طبیبش از علاج او باز ماند و دوستانش از او روی گردانند، پیش از آنکه عقلش زایل و عمرش تمام شود و اطرافیان آهسته با هم بگویند: «دیگر از حرکت بازافتاده، جسمش کاهیده شده و سخت گرفتار جان کندن است.» در این حال، هر خویشاوند دور و نزدیکی بر بالینش حاضر شود، اما او در حالی که چشم به بالا دوخته و پیشانی‌اش را عرق فراگرفته؛ قلبش از حرکت بازماند و جان‌ش گرفته شود. و همسرش بیچاره و بدبخت گردد. قبرش را کنده و مهیا کنند، اولادش یتیم گردند، نزدیکانش پراکنده شوند. وَ قَسِيمَ جَمْعُهُ، وَ ذَهَبَ بَصْرُهُ وَ سَمْعُهُ، وَ كَفِنَ، وَ مَدِدَ، وَ وَجَّهَ، وَ جَرَّدَ، وَ عُصْلَ، وَ عَرَى، وَ نُشَيْفَ، وَ سُجَى، وَ بُسِطَ لَهُ، وَ نُشِرَ عَلَيْهِ كَفْنُهُ، وَ شَدَّ مِنْهُ ذَقْنُهُ، وَ قُمِصَ، وَ عَمَمَ، وَ لَفَّ، وَ وُدَّعَ، وَ سَلِّمَ، وَ حَمَلَ فَوْقَ سَرِيرٍ، وَ صَلَّى عَلَيْهِ بِتَكْبِيرٍ، وَ نَقَلَ مِنْ دُورٍ مَزْحَرَفَةٍ، وَ قُصُورٍ مُشَيَّدَةٍ، وَ حُجْرٍ مُنْضَدَةٍ، فَجَعَلَ فِي ضَرْيَحٍ مَلْحُودٍ، ضَيْقٍ مَرْضُوصٍ بِلْبِنٍ، مُنْضُودٍ، مُسَقَّفٍ بِجَلْمُودٍ، وَ هَيْلَ عَلَيْهِ حَفْرَهُ، وَ حُتِيَ عَلَيْهِ مَدْرَهُ، فَتَحَقَّقَ حَذْرَهُ، وَ نُسِيَ حَبْرَهُ وَ رَجَعَ عَنْهُ وَلِيَّهُ، وَ نَدِيمَهُ وَ نَسِيبَهُ، وَ حَمِيمَهُ، وَ تَبَدَّلَ بِهِ قَرِينَهُ، وَ حَبِيبَهُ، وَ صَفِيَّهُ، وَ نَدِيمَهُ فَهُوَ حَشْوُ قَبْرِ، وَ زَهِينُ قَفْرِ، يَسْعَى فِي جِسْمِهِ دُودَ قَبْرِهِ وَ يَسِيلُ صَدِيدُهُ مِنْ مَنَحْرِهِ، يُسْحَقُ تَوْبَهُ وَ لَحْمَهُ، وَ يُنْشَفُ دَمَهُ، وَ يُدَقُّ عَظْمَهُ، حَتَّى يَوْمَ حَشْرِهِ، فَيُنْشَرُ مِنْ قَبْرِهِ، وَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، وَ يُدْعَى لِحَشْرِ وَ نُشُورٍ، فَتَمَّ بَعَثَتْ قُبُورٌ، وَ حَصَلَتْ صُدُورٌ، وَ جَاءَ بِكُلِّ نَبِيٍّ، وَ صَدِيقٍ، وَ شَهِيدٍ، وَ مِنْطِيقٍ، وَ تَوَلَّى لِفَضْلِ حُكْمِهِ رَبِّ قَدِيرٍ، بِبَعِيدِهِ خَبِيرٌ وَ بَصِيرٌ، فَكَمَ مِنْ زَفْرِهِ تَضْنِيهِ، وَ حَسْرَهُ تَنْضِيهِ، فِي مَوْقِفٍ مَهُولٍ عَظِيمٍ، وَ مَشْهَدٍ جَلِيلٍ جَسِيمٍ، بَيْنَ يَدَيِ مَلِكٍ كَرِيمٍ، بِكُلِّ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ عَلِيمٍ، حِينَئِذٍ يُلْجَمُهُ عَرَقُهُ، وَ يُحْفَرُهُ قَلْقُهُ، عُبْرَتُهُ غَيْرَ مَرْحُومَةٍ، وَ صَرْحَتُهُ غَيْرَ مَسْمُوعَةٍ، وَ حُجَّتُهُ غَيْرَ مَقْبُولَةٍ، وَ تَوَلَّى صَحِيفَتَهُ، وَ تَبَيَّنَ جَرِيرَتُهُ وَ نَطَقَ كُلُّ غَضُوبٍ مِنْهُ بِسُوءِ عَمَلِهِ، وَ شَهِدَ عَيْنُهُ بِنَظَرِهِ، وَ يَدُهُ بِبَطْشِهِ، وَ رِجْلُهُ بِخَطْوِهِ، وَ جِلْدُهُ بِمَسِّهِ، وَ فَرْجُهُ بِلَمْسِهِ، وَ يَهْدِدُهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ، وَ كَشَفَ عَنْهُ بَصِيرٌ، فَسَلْسِلَ جِيدَهُ، وَ غَلَّتْ يَدُهُ، وَ سَبَقَ يُسْحَبُ وَحْدَهُ فَوَرَدَ جَهَنَّمَ بِكَرْبٍ شَدِيدٍ، وَ ظَلَّ يُعَذَّبُ فِي جَحِيمٍ، وَ اَمْوَالُش تَقْسِيمَ شُود. در حالی که دیدن و شنیدنش از دست رفته و کفن او را مهیا می‌کنند؛ دست و پایش کشیده شود، رو به قبله گردد، جامه‌اش کنده و عریان شود، غسل داده شده و خشک گردد. آنگاه جایش آماده شده و کفنش را باز می‌کنند. چانه‌اش را بسته، پیراهن (کفن) را بر او پوشانده، عمامه بر سرش نهاده و در نهایت پیچیده شده و وداع کرده می‌شود. و بر تابوت گذارده و بر او نماز می‌خوانند. سپس از

خانه‌ی زینت داده شده و قصرهای محکم و اطاق‌های بر هم قرار گرفته [به سوی قبرستان] منتقل گردیده و در شکاف زمین جای داده می‌شود. مکانی که میان لحدی تنگ که با خشت‌ها به هم بسته شده و سقف آن از سنگ‌ها ترتیب داده شده قرار دارد. در این زمان، بر او خاک و ریگ گور ریخته شود و او را سنگ‌های قبر فراگیرد. و آنچه از آن می‌ترسید بر سرش آید. دوستانش، ندیمان‌ش، خویشان و یارانش همه او را واگذارند و بازگردند. و همسر او، همسر دیگری اختیار کند؛ او که زمانی دوست و انتخاب شده و هم‌خواه‌اش بود، در آغوش دیگری درآید در حالی که او گرفتار تنهایی قبر باشد. [پس از مدتی نه چندان دور] کرم‌های زمین بر جسدش هجوم آورند و از بینی و دهانش چرک و خون بیرون زند. جامه و گوشت بدنش پوسیده شود، خوشی به زمین فرو رود، جسمش خشک گردد و استخوانهایش باریک شود. او به همین حال بماند تا روز حشر فرا رسد و سر از قبر درآورد. روزی که نفخه در صور دمیده شده و برای حشر خوانده شود. روزی که قبرها زیر و رو شده و آنچه در دل آنهاست بیرون آید. روزی که هر پیامبر و هر صدیق شهید و سخنوری حضور یابد و اختیار حکم و داوری برای پروردگاری است که به افعال و کردار بندگان، دانا و بی‌دانا است. پس چه ناله‌های دلخراشی که بر نمی‌آید و چه حسرت‌های جانسوز که پدیدار نمی‌شود؛ زیرا در جایگاه هولناک بزرگی نگهداشته شود و در برابر پادشاه کریمی قرار گیرد که به هر کردار کوچک و بزرگ آگاه است. در این هنگام، عرق سراپای او را فراگیرد، به شدت مضطرب شود، اشک بریزد؛ ولی کسی به او رحم نکند و بر آنچه فریاد کند، فریادرسی نباشد. حجت او قبول نشود و نامه عملش به سویش بازگردد و نافرمانیهایش آشکار شود و [آنگاه] هر عضو او به سخن آید و از بدی کردارش خبر دهد: چشم او گواهی دهد به آنچه نظر افکنده، دست او گواهی دهد به سوی آنچه یازیده، پایش گواهی دهد به آنچه به سوی آن رفته، پوست او گواهی دهد با آنچه که تماس داشته، فرج او گواهی دهد به آنچه که لمس کرده. سپس منکر و نکیر او را تهدید کرده و بترسانند. رسوایی‌اش پدیدار شود [تا اینکه] زنجیر به گردن او گذارند و دستهایش را به غل ببندند و او را به تنهایی بکشند و به سختی در دوزخ وارد کنند. به ناچار، در آتش عذاب شود. وَ يُسْقَى شَرْبَةً مِنْ حَمِيمٍ تَشْوِي وَجْهَهُ، وَ تَسْلُخُ جِلْدَهُ، يَضْرِبُهُ زَبِينَتُهُ بِمِقْمَعٍ مِنْ حَدِيدٍ، يَعُودُ جِلْدُهُ بَعْدَ نَضْجِهِ بِجِلْدٍ جَدِيدٍ، يَسْتَعِيثُ فَيُعْرِضُ عَنْهُ خَزَنَةُ جَهَنَّمَ، وَ يَسْتَصْرِخُ فَيَلْبَثُ حَقْبَةً بِنَدَمٍ، نَعُودُ بِرَبِّ قَدِيرٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَصِيرٍ، وَ نَسْأَلُهُ عَفْوً مِنْ رَضِي عَنْهُ، وَ مَغْفِرَةً مِنْ قَبْلِ مِنْهُ، فَهُوَ وَلِيُّ مَنْسَأَلَتِي، وَ مُنْجِحَ طَلِبَتِي، فَمَنْ رُحِّحَ عَنْ تَعْذِيبِ رَبِّهِ، سَكَنَ فِي جَنَّتِهِ بِقُرْبِهِ، وَ خَلَدَ فِي قُصُورٍ مُشِيدَةٍ، وَ مَكَّنَ مِنْ حُورٍ عِينٍ وَ حَفَدَةٍ، وَ طِيفَ عَلَيْهِ بِكُتُوسٍ، وَ سَكَنَ حَظِيرَةَ فِرْدَوْسٍ، وَ تَقَلَّبَ فِي نَعِيمٍ، وَ سَقِيَ مِنْ تَسْنِيمٍ، وَ شَرِبَ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ، مَمْرُوجَةٍ بِرَنْجَبِيلٍ، مَخْتُومَةٍ بِمِسْكَ عَبِيرٍ، مُسْتَدِيمٍ لِلْحُبُورِ، مُسْتَشْعِرٍ لِلسَّرُورِ، يَشْرَبُ مِنْ حُمُورٍ، فِي رَوْضٍ مُشْرِقٍ مُعْدِقٍ، لَيْسَ يَصْنَعُ مِنْ شَرْبَتِهِ، وَ لَيْسَ يَنْزِفُ، هَذِهِ مَنْزِلَةٌ مِنْ حَشَى رَبِّهِ، وَ حَذَرُ نَفْسُهُ، وَ تِلْكَ عَفُوبَةٌ مِنْ عَصِي مَنِسْتُهُ، وَ سَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ، مَعْصِيَةَ مُبْدِيهِ، ذَلِكَ قَوْلُ فَضْلٍ وَ حَكْمٌ عَدْلٌ، خَيْرُ قَصَصٍ قِصَّةٌ وَ وَعْظٌ بِه نَصٌّ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، نَزَلَ بِهِ رُوحٌ قُدُسٍ مُبِينٍ، عَلَى نَبِيِّ مَهْتَدٍ مَكِينٍ، صَلَّتْ عَلَيْهِ رُسُلٌ سَفَرَةَ مَكْرُمُونَ بَرَّةً، عُدَّتْ بِرَبِّ رَحِيمٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ رَجِيمٍ، فَلْيَتَصَرَّحْ مُتَصَرِّعُكُمْ، وَلْيَبْتَهِلْ مُبْتَهِلُكُمْ، فَتَسْتَغْفِرْ رَبَّ كُلِّ مَرْبُوبٍ لِي وَ لَكُمْ. چندان که روی او پخته شود و پوست بدنش بعد از سوختن به پوستی دیگر تبدیل گردد. در برابر ناله‌ها و فریادهایی که می‌زند، خازنان جهنم از او روی بگردانند و جوابش را ندهند. و هر چه فریاد زند، کسی به فریادش نرسد [و بدین ترتیب] سال‌های درازی به ندامت و پشیمانی بگذرانند. پناه می‌بریم به خداوند قادر توانا از بدی هر پیشامد ناگواری، و از او بخشش و عفو کسی را که از او خشنود شده است درخواست می‌کنیم و آمرزش کسی را که از او قبول فرموده مسألت می‌نماییم؛ که او ولی نعمت خواسته‌ها و برآورنده‌ی حاجات من است. پس کسی که از عذاب پروردگار نجات یابد، به مقام قرب در بهشت ساکن شود و در قصرهای محکم جاویدان بماند؛ در حالی که به حورالعین و خدمتگزاران بهشتی دست یابد. جام‌ها از نوشیدنی‌ها برایش مهیا کنند و در فردوس‌های عالی جایگزینش نمایند. او در ناز و نعمت

بگردد و از آب تسنیم بیاشامد و از چشمه سلسبیل؛ که آمیخته به زنجبیل، و مُهر کرده به مُشک و عبیر است سیراب شود. او همواره در این نعمت‌ها و شادی‌ها زندگی می‌کند و از شراب‌هایی که در باغ‌های روشن و پر نور است، و آب‌های روان در آن جاری است، شرابی که درد سر نیاورد و عقل را زایل نکند می‌نوشند. این است منزلت و مقام کسی که از پروردگار خود بترسد و نفس خود را بر حذر بدارد. و آن است کیفر کسی که بر آفریننده‌ی خود عصیان بورزد و نفسش معصیت خالقش را برای او زینت داده و آسان نماید. این است گفتار به تفصیل و حُکم به عدل؛ بهترین قصه‌ای که نقل شده و بهترین پندها که بیان گردیده. از نزد حکیم حمید فرورستاده شده و جبرئیل آن را به پیامبر هدایت کننده و صاحب جاه و مقام فرو آورده است. پیامبری که رسولان و سفیران مکرم بر او درود فرستادند. پناه می‌برم به پروردگار مهربان از شر هر رانده شده‌ی گمراه کننده. پس باید تضرع کنند تضرع کنندگان و زاری نمایند زاری کنندگان. [در آخر] برای خودم و شما از پروردگار هر تربیت شده‌ای طلب مغفرت می‌کنیم. پی نوشت: مصباح کفعمی، ص ۹۶۸؛ علی و المناقب، صص ۳۶۸ - ۳۷۰؛ شرح ابن ابی الحدید، ج 19، صص ۱۴۰ - ۱۴۳؛ نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۷، خ ۲۰؛ کنز العمال، ج ۱۶، صص ۲۰۸ - ۲۱۳؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۹۷ به نقل از جلد ۹ بحارالانوار چاپ قدیم. منبع: کتاب «علی علیه‌السلام و خطب نادره»، ترجمه مجید دایی، انتشارات زراره. /جهان نیوز